

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده هنر و معماری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: نمایش (کارگردانی)

عنوان :

تجسم، توهم، اجرا در درامهای رابرت ویلسون

استاد راهنما:

دکتر شهاب الدین عادل

استاد مشاور:

دکتر حمید رضا افشار

پژوهشگر:

الهه سلیمی

تابستان ۱۳۹۲

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت

جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد

می گردیم اصول زیر را در انجام

فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

۱- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هر گونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلاینند.

۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هر گونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هر گونه حرمت شکنی.

۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.

۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هر گونه پنهان سازی حقیقت.

۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.

۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم
و همسر مهربانم

غروب چشمان خواهرم

تقدیر و تشکر:

در ابتدا از استاد راهنمای عزیز و محترم جناب آقای دکتر شهاب الدین عادل کمال تشکر را دارم همچنین از استاد مشاور جناب آقای دکتر حمیدرضا افشار تشکر می‌کنم. در ادامه جا دارد از ریاست محترم دانشکده هنر و معماری جناب آقای دکتر باباشاهی و مدیریت گروه نمایش جناب آقای بالازاده که در مدت تحصیل اینجانب زحمات فراوانی برای پیشرفت دانشکده و گروه انجام داداند تشکر به عمل آورم. همچنین از آقای محسن اقتصاد برای همکاری‌شان در امر ترجمه تشکر ویژه دارم.

بسمه تعالی

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف الهه سلیمی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجوی ۸۸۱۰۶۹۰۲۱۰۰ در رشته نمایش / کارگردانی که در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۹ از پایان نامه خود تحت عنوان: "تجسم ، توهم ، اجرا در درام های رابرت ویلسون " دفاع نمودم. بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی هم سطح، پایین تر یا بالاتر در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدارک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: الهه سلیمی

تاریخ و امضا

بسمه تعالی

در تاریخ :

دانشجو کارشناسی ارشد خانم الهه سلیمی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۸ به حروف هجده و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی

دانش معماری

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی

کد واحد: ۱۰۱

کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۶۰۳۰۶۹۰۲۰۰۳

عنوان پایان نامه: تجسم، توهم، اجرا در درامهای رابرت ویلسون.

نام و نام خانوادگی دانشجو: الهه سلیمی

تاریخ شروع پایان نامه: نیمسال اول ۱۳۹۱

شماره دانشجویی: ۸۸۱۰۶۹۰۲۱۰۰

تاریخ اتمام پایان نامه: نیمسال اول ۹۲-۹۳

استاد راهنما: دکتر شهاب الدین عادل

استاد مشاور: دکتر حمید رضا افشار

چکیده پایان نامه

پایان نامه پیش رو با عنوان "تجسم، توهم، اجرا در درامهای رابرت ویلسون" در پنج فصل گردآوری شده است. از آنجا که تجسم و توهم اشاره به فرایندی دارد که در ذهن صورت می گیرند در ابتدا و در فصل نخست آن قبل از هر چیز از ذهن گفته شده است - زیرا ذهن نمودی از هوش و آگاهی تجربیست که بنا به تعریف، مرکب از اندیشه، ادراک، حافظه، احساسات، امیال و تخیل و کلیه فرایند شناخت نا خودآگاه است - و سپس به امر خودآگاه و ناخودآگاه از دیدگاه فروید و لاکان که با نظریه هایشان در این خصوص در هنر و ادبیات بسیار تاثیر گذار بودند، پرداخته شده است. اما از آنجا که مفاهیمی چون تجسم و توهم هم در حوزه فلسفه و هم در حوزه علمی به آن توجه شده، بنابراین در اینجا نیز این مفاهیم - تجسم و توهم - را هم از نگاه فلاسفه و تا حدودی هم از دیدگاه علمی آن مطالبی آورده شده است. اما این بررسی به همین جا ختم نشده و در ادامه سعی بر آن شده است تا در زمینه اجرای و نمایش هم دیدگاههایی که موجود است آورده و تحلیل شود. در ادامه و در فصل دوم نگاهی داشته ام به زندگی نامه و آثار رابرت ویلسون تا در فصل سوم با توجه به دو ویژگی مهم در تئاتر یعنی زمان و مکان، ارتباط آن را با توهم و تجسم در آثار ویلسون بیان کنم. و در فصل چهارم توهم و تجسم را در کارگردانی و اجراهای ویلسون و با توجه به تجارب همکاری اشخاصی چون سوزان سانتاگ، فیلیپ گلس و دیوید بایرون بررسی و تحلیل شده است. تا در پایان و در فصل پنجم با توجه به آنچه گفته شده نتیجه گیری انجام شود. اما باید اشاره کنم که اکثر مطالب این پایان نامه به روش کتابخانه ای گردآوری شده است و سعی بر آن شد تا با استفاده از منابع ترجمه شده موجود و همچنین فیلمها و مصاحبه های ترجمه نشده برای رسیدن به نتیجه بهتر بهره برده شود.

واژگان کلیدی: تجسم، توهم، رابرت ویلسون، متن نمایشی، اجرای نمایشی.

تاریخ و امضاء

مناسب است

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

مناسب نیست

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده فارسی.....
	فصل اول: طرح و ساختار پژوهش
۳	۱-۱- بیان مساله تحقیق : (حد اقل ده سطر و شامل پرسش اصلی تحقیق).....
۴	۲-۱- اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن
۴	۳-۱- هدفهای تحقیق.....
۵	۴-۱- سوالات یا فرضیه های تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه)
۵	۵-۱- چهارچوب نظری تحقیق
۵	۶-۱- روش تحقیق.....
۵	۷-۱- پیشینه پژوهش.....
۶	۸-۱- ارتباط موضوع نظری و عملی (رشته های کارگردانی).....
۶	۹-۱- روش گرد آوری اطلاعات.....
۶	۱۰-۱- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۶	۱۱-۱- واژه های کلیدی.....
	فصل دوم: ذهن، تجسم، توهم
۸	۱-۲-۱- ذهن.....
۱۲	۱-۲-۱-۱- فروید و ناخودآگاه.....
۲۰	۱-۲-۲-۱- لاکان و ناخودآگاه.....
۲۲	۲-۲-۲- توهم.....
۲۴	۱-۲-۲-۱- توهم شناختی.....
۲۷	۲-۲-۲-۲- نمایش و رؤیا.....
۲۸	۳-۲-۲-۲- توهم گرایی ادراکی.....
۳۰	۳-۲-۳- تصوّر.....
۳۰	۱-۳-۲- تصویر.....
۳۵	۲-۳-۲- نگاهی به آراء فلاسفه در باب تصوّر:.....

۵۴ ۲-۴-تجسم
۵۷ ۲-۴-۱-تجسم ، تصور و عملکرد ذهن
۶۰ ۲-۴-۲-تئاتر، توهم ، تجسم
فصل سوم: معرفی و آثار رابرت ویلسون	
۶۶ ۳-۱-زندگینامه رابرت ویلسون
۶۸ ۳-۲-ویژگی اجرایی آثار ویلسون
فصل چهارم: زمان و مکان در آثار رابرت ویلسون	
۷۶ ۴-۱-زمان در آثار هنری
۷۹ ۴-۲-زمان در آثار ویلسون
۸۵ ۵-۳-زمان در تئاتر
۸۸ ۶-۴-مکان در تئاتر و آثار ویلسون
۹۰ ۷-۵-رابطه ی زمان و مکان و تجسم و توهم آثار ویلسون
فصل پنجم : توهم و تجسم در آثار رابرت ویلسون	
۹۶ ۵-۱-تجسم در کارگردانی ویلسون با توجه به همکاری دیوبایرن، سوزان ساتناگ، فیلیپ گلاس
۱۱۶ ۵-۲-توهم و تئاتر ویلسون
۱۲۵ نتیجه گیری
۱۲۹ پیوست تصاویر
۱۴۲ منابع

فصل اول:

طرح و ساختار پژوهش

۱-۱- بیان مساله تحقیق : (حد اقل ده سطر و شامل پرسش اصلی تحقیق)

میدانیم که هر هنرمندی برای اینکه دست به آفرینش هنری بزند بیش از هر چیز مدیون خلاقیتش است. هنرمند تئاترنیز از این قاعده مستثنی نیست. زمانیکه اجرایی را بر روی صحنه به تماشا مینشینیم شاهد همکاری عوامل بسیاری هم چون بازیگران، طراحان (صحنه، لباس، نور، گریم) و... هستیم، اما در پس همه اینها نویسنده و کارگردان قرار دارند. نویسنده ای که تصاویر ذهنی اش را نوشته و کارگردانی که تصاویر ذهنی نویسنده را خواننده و تصاویری جدیدی در ذهن اش شکل گرفته و قصد دارد این تصاویر را عینیت بخشد، بنابراین در اینجامسئله ذهن و تصویر مطرح میشود. ذهن نویسنده و کارگردان و تصاویری که هر دوی آنها ارائه میدهند. در واقع قبل از اینکه اجرایی شکل بگیرد تجسم کارگردان و قدرت مجسم کردن اوست که مطرح می شود. اما باید در نظر داشت که در تئاتر به علت محدودیت‌هایش نمی توان هر تصویری را و در هر زمان و مکانی به راحتی خلق کرد و نشان داد، بنابراین نیازمند ترفندهایی هستیم که زمان و مکان نمایش را به گونه ای به مخاطبان معرفی کنیم که برایشان باور پذیر جلوه کند. از این روست که تجسم نویسنده و کارگردان اهمیت پیدا می کند. اما این نکته مطرح می شود که تئاتر تجسم و توهمی از واقعیت را به نمایش میگذارد؟ آیا تئاتر توهم می آفریند؟ و اساسا توهم چیست؟ آیا توهم در ادراک حسی و شناختی ما جایی دارد؟ و توهم و تجسم چه نقشی در خلق یک اجرای نمایشی خواهد داشت؟

ما می‌خواهیم به بررسی جایگاه تجسم و توهم در خلق اجراهای نمایشی پردازیم، اما برای نیل به این هدف و درک بهتر این جایگاه با بررسی آثار رابرت ویلسون (نویسنده-کارگردان آمریکایی-وی اجراهای متفاوتی رادر بعد محیطی، درمانی، اسطوره‌ای، سورئالیستی و اکسپرسیونیستی انتزاعی داشته- در این راستا گام بر خواهیم داشت.

۱-۲- اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن :

اگر این نکته را مد نظر بگیریم که متن، جهان را معنی نمی‌کند بلکه تصاویری را که از هم گسیخته اند معنی می‌کند، از این رو رمزگشای متن به معنی کشف تصویری است که به آن دلالت دارد. و اگر کارگردان به خوبی در یابد که هدف متن، توضیح تصویر است، در حالیکه هدف مفاهیم، قابل درک ساختن تفکر است، به این ترتیب در می‌یابد که متن خود حالت رمزگونه تصویر است. و از این رو ذهن تصویری تری به مدد شناخت تجسم و توهم می‌یابد بنابر این اهمیت موضوع انتخابی نیز در همین امر می‌باشد که کارگردان با اشراف به این موضوع سعی در ارائه تصویری کردن هر چه بیشتر کار خود را دارد. و هر چه اجرایی از بیان تصاویر به‌تر و بیشتری بهره‌گیرد در واقع توانسته به زبان جهانی‌تر و مفهومی تری دست یابد. و اینگونه کارگردان لذت دیدن موسیقی بصری را به مخاطبانش خواهد چشاند.

۱-۳- هدفهای تحقیق :

- رسیدن به جایگاه تجسم و توهم در هنر نمایش و اجرا
- رسیدن به جایگاه تصویر و زبان تصویر در یک اجرای نمایشی
- رسیدن به جایگاه تجسم و توهم در کارگردانی یک اثر نمایشی با تکیه بر آثار ویلسون

- نشان دادن راه کاربرای رسیدن به اجرایی تصویری با تکیه بر آثار ویلسون

۱-۴- سوالات یا فرضیه های تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه):

فرضیه:

تجسم و توهم زیر ساخت اجراهای رابرت ویلسون و شالوده ی اجرایی درام های وی.

سوالات:

- آیا تئاتر توهم می آفریند؟

- توهم چیست؟

- توهم در ادراک حسی و شناختی ما چه جایگاهی دارد؟

- نقش تجسم و توهم در اجرای نمایش های رابرت ویلسون چیست؟

۱-۵- چهارچوب نظری تحقیق :

چهارچوب نظری تحقیق در رابطه با بررسی نقش و جایگاه تجسم و توهم در خلق یک اجرای درام

های ویلسون خواهد بود در چهارچوب مطالعاتی ساختگرایی.

۱-۶- روش تحقیق:

توصیفی-تحلیلی

۱-۷- پیشینه پژوهش:

-جایگاه رابرت ویلسون در تئاتر تجربی قرن بیستم

۸-۱-ارتباط موضوع نظری و عملی (رشته های کارگردانی):

حداکثر تلاش خواهد شد تا اجرای عملی خود را با توجه به نقش تجسم و توهم در یک اجرا و روش های به کارگیری رابرت ویلسون در این زمینه و با بهره گیری از آن عینیت بخشم و به ارائه ی اجرای نمایشی در ارتباط با موضوع نظری توفیق یابم.

۹-۱- روش گرد آوری اطلاعات:

کتابخانه ای (با بهره گیری از کتاب ها، منابع اینترنتی، ترجمه ها، مقاله ها، فیلم ها)

۱۰-۱- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

تحلیلی-توصیفی

۱۱-۱- واژه های کلیدی:

تجسم، توهم، رابرت ویلسون، متن نمایشی، اجرای نمایشی

فصل دوم:

- ذهن

- توهم

- تجسم

۱-۲- ذهن

با اینکه ذهن بخشی از وجود انسان می‌باشد. روند توجه به آن از سوی انسان در طول تاریخ روندی پرفراز و نشیب است.

بسیاری از پدیده‌های طبیعی پیچیده از دیرباز مورد توجه انسان‌های اولیه و متمدن قرار گرفته بود و شناختی درباره آنها حاصل شده بود. ۴۰۰۰۰ سال بود که انسان با آتش و طرز مهار کردن آن آشنا شده بود. ۱۰۰۰۰ سال بود که انسان انواع و اقسام ابزار را ساخته بود و از آنها استفاده می‌کرد. ۸۰۰۰ سال بعد که جماعتی از انسانها با زراعت و برداشت محصول آشنا شده بودند و بیش از یک هزار سال قبل از میلاد مسیح، دست کم در مصر با برخی از عناصر ساختمان بدن انسان آشنایی ایجاد شده و صدها روش درمانی ابداع گردیده بود. بسیاری از روش‌ها برای درمان انواع بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما تا یک صد سال بعد از دوران پسماتیک نه مصری‌ها و نه هیچ قوم دیگری بر طرز کار ذهن فکر نکرد و از آن سردر نیاورد.

و چه جای تعجب، در نظر آنان اندیشه و احساس با روح و خداوند سروکار داشت نشانه‌ها متعددی دال بر اثبات نوشته‌های به خط میخی مربوط به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در بین النهرین به دست آمده که مکرر به فرامین خداوند اشاره کرده است.

تصویر به مراتب مفصل‌تر درباره برداشت مردمان روزگار قبل از اندیشه و احساس را می‌توان در ایلید یافت. که باورهای هومر، در قرن نهم قبل از میلاد و تا حدودی اعتقادات یونانی‌ها و اهالی تروا در قرن یازده قبل از میلاد را مطرح کرده است. پروفیسور جولیان جینس استاد دانشگاه پرنیستون که درباره زبان ایلید با توجه به کارکردهای ذهنی و احساسی به تفصیل بررسی کرده، یافته‌های خود را به شرح زیر بیان می‌کند:

به طور کلی در ایللیاد صحبتی از آگاهی و بنابراین سخنی درباره آگاهی یا اقدام ذهنی مطرح نیست. مطالب ایللیاد که در عصر بعد به مفهوم امور ذهنی ارزیابی شده معنای متفاوتی دارد. بیشتر عینی و محسوس ماست. کلمه روان که بعداً روح یا ذهن نامیده می‌شد در اغلب موارد به مفهوم مواد حیاتی از قبیل دم یا خون است، سرباز مجروح در حال مرگ روانش را همراه خون به زمین می‌ریزد و یا به همراه آخرین بازدم آن را از تنش خارج می‌کند.

شاید از اینها مهمتر کلمه نوس که یونانی‌ها به آن نس می‌گویند و به مفهوم ذهن هوشیار است. ترجمه درست این مفهوم در ایللیاد شبیه ادراک، شناخت و یا عرصه بصیرت است.

"ژئوس ادیسه را در نوس خود می‌گیرد" به این مفهوم است که او را مورد توجه قرار می‌دهد.

اندیشه و احساس در ایللیاد مستقیماً از ناحیه خدایان در اذهان اشخاص قرار می‌گیرد. سطرهای آغازین حماسه، موضوع را به خوبی توضیح می‌دهد. بعد از نه سال محاصره تروا، طاعون در لکش یونانی‌ها کشتار می‌کند و به ذهن آشیل کبیر می‌رسد که باید از سواحل تروا عقب‌نشینی کنند.

دراواخر قرن ۶م قبل از میلاد پیشرفت‌هایی حاصل شد. در هند، بودا اندیشه‌های انسان را به حواس و ادراکات او نسبت داد که به گفته او به تدریج و خود به خود عقاید را شکل می‌دهد.

در چین کنفوسیوس به قدرت اندیشه و تصمیمی اشاره کرد که در هر انسانی به ودیعه گذاشته شده است. انسان حاکم بر اصول است اما اصول بر انسان حاکم نیست.

یادگیری بدون اندیشه زحمتی است که تباہ می‌شود، اندیشه هم اگر از یادگیری مدد نگیرد خطرناک است. نشانه‌های تغییر و تحول در یونان از این هم بیشتر بود. در این سرزمین شعرا و مقدسین افکار و احساسات را در قالبی کاملاً جدید را ارائه کردند. از جمله سافو عذاب درونی حسادت را به شکل واقع‌بینانه و نه به عنوان یک احساس که از سوی خدا تحمیل می‌شود، توصیف نمود.

سولون، شاعر و شارح از کلمه نوس (شعور) نه به مفهوم هومری بلکه به عنوان چیزی شبیه ذهن منطقی استفاده کرد. او می‌گفت که در حدود پنجاه سالگی شعور انسان در همه امور ورزیده

می‌شود و در دوران پنجاه سالگی شعور و سخن به اوج می‌رسد. سولون یا به قولی تاس فیلسوف، در یکی از تمدن‌های غربی عبارتی کوتاه در مفهومی به کلی متفاوت از زمانه هومر اندرزی گرانقدر فرا راه بشر قرار می‌دهد. برمعبد آپولون در دلفی به نقل از او این عبارت را می‌خوانیم: "خودت را بشناس".

در طی چند دهه اندیشه و علم و هنر یونانی‌ها در همه جا گسترده شد. جرج سارتون تاریخ‌شناس علم می‌گوید در عصر هلنی دانش انسانی در کمتر از سه قرن چهل برابر گردید.

یکی از شایان ذکرترین جنبه‌های این تحول ذهنی ظهور ناگهانی زمینه‌ای جدید از دانش یعنی فلسفه بود. در دولت شهرهای یونانی‌ها در قرن پنجم و چهارم قبل از میلاد مسیح، جماعتی قلیل از مردان طبقه ممتاز بدون تجهیزات علمی سطح بالا و بدون داده‌های یارانه‌ای در اشتیاق درک عالم هستی و خود با صرفاً تعمیق و استدلال به بسیاری از سوالات خلقت و پیدایش عالم وجود، کیهان‌شناسی، فیزیک و ماوراءالطبیعه، اخلاقیات، زیباشناسی و روانشناسی جواب دادند.

فیلسوفان از واژه روانشناسی که تا سال ۱۵۲۰ بعد از میلاد وجود خارجی نداشت، استفاده نمی‌کردند و آن را زمینه مجزایی از دانش به حساب نمی‌آوردند و در مقایسه با موضوعاتی از قبیل ساختار ماده و ماهیت علیت بر آن بهای چندانی نمی‌دادند.

به ندرت می‌توان موضوعی را در کتب درسی روانشناسی امروز یافت که دست کم به طور اجمالی مد نظر فیلسوفان یونانی قرار نگرفته باشد. از آن مهمتر این که هدف آنها با هدف روانشناسان معاصر تفاوتی ندارد که همانا کشف علل واقعی رفتار انسان است. فرآیندهای دیده نشدنی ذهن که در واکنش بر حوادث بیرونی سایر محرک‌ها شکل می‌گیرد. این پژوهش فیلسوفان یونانی را برآن داشت سفری به دنیای نامرئی ذهن و یا به قولی دنیای درون بکنند. از روزگار آنها تا روزگار ما کاوشگران ذهن در اعماق وجود انسان به دنبال جواب گشته‌اند. این سفری مبارزطلبانه و روشنگرانه به اقیانوس‌ها و سرزمین‌های غیرقابل رویت و ماموریتی فضایی به سیاره‌های دوردست بوده است. کاوش نجومی در حواشی جهان و مرز زمان.

کاوش دنیای درون به وسیله اشخاصی از این قبیل بدون شک برای رشد و تعالی انسان از کاوش دنیای بیرون مهمتر بوده است. مورخان پیشرفت‌های فن‌آورانه را نشان بزرگ فرهنگ می‌دانند و از جمله این پیشرفت‌ها پیدایش ابزار شخم زدن، کشف گداحت فلزات و فلزکاری، اختراع ساعت، چاپ، نیروی بخار، موتورهای برقی، لامپ روشنایی و رایانه است. اما احتمالاً تحولی بزرگ‌تر از همه اینها توجه فیلسوفان یونانی و دانشمندان بعد از آنها به این مطلب بود که انسان می‌تواند فرآیندهای فکری، احساسی و رفتار منبث از آنها را واری درک و در نهایت هدایت و نظارت کند. با علم بر این مطلب، به چیزی جدید و متفاوت در این کره خاکی تبدیل شدیم. تنها موجود زنده‌ای شدیم که با بررسی تفکر و رفتارشان توانست آنها را تغییر بدهد. بدون تردید این قدمی بلند در جهت تکامل بود و با آن که به لحاظ جسمانی با مردم سه هزار سال پیش تفاوت چندانی نداریم، به لحاظ فرهنگی موجودی به کلی متفاوت هستیم. انسان یک حیوان روانشناختی است.

در این رساله نیز سعی خواهد شد با بررسی ذهن و امر خودآگاه و ناخودآگاه از منظر روانشناسی و همچنین پرداختن به جایگاه و امور مفهومی مربوط به ذهن همچون توهم، تجسم و تصور از منظرهایی چون علوم روانشناسی، فلسفه و علوم شناختی و ارتباط آنها با هنر تئاتر به لحاظ اجرایی و همچنین از منظر مخاطبانش بررسی و تحلیل شود اما برای اینکه بهتر و جزئی‌تر به این مفاهیم در هنر تئاتر بپردازیم با بررسی و تحلیل آثار اجرایی رابرت ویلسون کارگردان نامی تئاتر معاصر به این امر خواهیم پرداخت زیرا این مفاهیم در کارهای اجرایی ویلسون به طور چشمگیری نمود پیدا کرده‌اند و با پرداختن به کارهای اجرایی این کارگردان موفق به نتایج بهتری خواهیم رسید.